**فصلنامه علمی علوم حدیث**
سال بیست و هفتم شماره ۳ (پیاپی ۱۰۵)
پاییز، ص ۱۴۰ ـ ۱۶۴

***Ulumhadith***
Twenty-seventh No 3
Summer (Sep-Dec 2022)

# بازسازی کتابُ الملاحمِ الکبیر و تحلیل روایات غَیبتِ آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۳

**محمد علی موحّدی**[۱]
**محمد حسین حشمت‌پور**[۲]
**محمدکاظم رحمان‌ستایش**[۳]

## چکیده

اگر چه با فقدانِ تک‌نگاری‌های مهدویِ متقدم، سابقه و اصالتِ پاره‌ای از آموزه‌های امامی چون غیبت، با انتقادهایی روبرو شد، اما بازسازیِ آن آثار، می‌تواند بخش‌هایی از میراث حدیثیِ عصر حضور را دردسترس قرار دهد. محمدبن‌جمهور(۱۵۴-۲۵۶ق) از ملازمانِ امام هشتم با نگارشِ کتابی سترگ با عنوان الملاحم، سهم قابل اعتنایی را در ثبت و انتقال میراث حدیثیِ مهدویت و غیبت به نسل‌های بعدی داشته است. این اثر اگرچه همینک مفقود است، اما توسط دو تن از شاگردان او، به مدارسِ حدیثیِ قم و بغداد راه یافت. همین نکته فرضیه امکانِ بازسازیِ این اثررا در پی دارد. پژوهش در آثار موجودِ مدرسه قم و بغداد در سده چهارم، ۴۲ حدیث از این اثرِ سترگ را در دسترس قرار می‌دهد. مطالعه این احادیث نشان می‌دهد که اندیشه غیبت و آموزه‌های فرعی مرتبط با آن با بسامد قابل ملاحظه‌ای در زمانِ حضور امامان مورد توجه بوده است. زیرا افزون بر ۵ حدیثِ صریح در بابِ غیبت و پاره‌ای از فرعیات آن، احادیثِ قابل اعتنای دیگری نیز در باب امامت گزارش شده که مجموع آنان تأکیدِ دیگری بر غیبت صاحب الامر است. مهم‌ترین دستاورد متن حاضر افزون بر بازسازیِ یک اثرِ حدیثی مفقود، پاسخ‌گویی به شبهه فقدان مستنداتِ آموزه غیبت در عصر حضور است.

**کلید واژه‌ها:** محمد بن جمهور العمی، کتاب الملاحم الکبیر، تک‌نگاری‌های مهدوی، غیبت، بازسازی آثار حدیثی.

---

۱. دانش‌آموختهٔ دورهٔ دکتری کلام اسلامی دانشگاه قم (نویسندهٔ مسئول) (movahhedima@gmail.com).
۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم(mhhemails@yahoo.com).
۳. دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه قم (Kr.setayesh@gmail.com).

## ۱. مقدمه

پژوهش در میراث مکتوب جهان اسلام گویای آن است که اندیشمندانِ نحلِ مختلف از همان سده‌های نخستین به گزارش‌گریِ شفاهی و کتبی گزاره‌های مهدوی همت داشته‌اند.[۱] اگر چه این گزارش‌گری‌ها، در سده نخست به نحوِ پراکنده روی داده، اما با رشدِ چشم‌گیرِ مسئله «مَهدی» و «مهدویت» در سده دوم، پاره‌ای از محدّثانِ فریقین، به تبویب و تدوین میراثِ حدیثیِ بر جای مانده، و تألیفِ آثارِ اختصاصی در این موضوع رغبت یافتند.[۲] فراوانیِ چشم‌گیرِ تک‌نگاری‌های مهدوی در سده سوم، (قریب به سی نگاشته اختصاصی)[۳] در کنارِ گوناگونی مذهبِ مؤلفان و گستردگی مباحثِ ذیل آن، سبب شد تا حجم قابل اعتنایی از میراث حدیثی مهدویت به نگاشته‌های نسل‌های بعدی راه جوید؛ اما فقدانِ کنونیِ قریب به اتفاق آن آثار، اصالت و سابقه برخی از آموزه‌های کلامی مترتب با مهدویت را با معضلاتی روبه‌رو کرد و آموزه‌هایی مانندِ «غَیبت» و مباحثِ فرعی آن چون «دارایِ دو غیبت بودنِ مهدی»، «تولدِ مخفیانه» و «کیفیت غیبت او»، در کنار مباحثِ کلان دیگری چون «حصر تعداد امامان به دوازده تن» و «واپسین خلیفه بودنِ مهدیِ موعود»، و نیز برخی از اوصاف جانشینان پیامبر چون «پیاپی بودن ایشان» و «بقای آنان تا آستانه قیامت»، با انتقادهایی روبرو شد. برای نمونه ایتان کُلبرگ در مقاله «از امامیه تا اثنی عشریه» (نگاشته ۱۹۷۶م)، نخستین مستندِ برجای مانده از اعتقاد اسلافِ امامیه به غیبت حضرت مهدی را، به نگاشته‌هایی مربوط به اواخر سده سوم مربوط دانست و از همین رو، آن را حاصل تحولات فکری و کلامی پس از شهادت امام عسکری قلمداد نمود.[۴] این امر در حالی است که چندین تک‌نگاریِ مهدوی نیز با عنوانِ الغیبة توسط عالمانِ امامی مذهب در عصر حضور تألیف یافته است؛ مانندِ الغیبة نگاشته عُبَیس بن هِشام النّاشِری (م ۲۲۰ق).[۵] هر چند با کشف کتاب القرائات تألیفِ احمد بن محمد السیاری (نیمه سده سوم)

---

۱. ر.ک: طبقات راویان احادیث مهدویت، ص۳۳-۱۲۷.

۲. برای نمونه علی بن یقطین (م۱۸۲ق)، کتابی با عنوانِ ما سئل عن الصادق فی الملاحم داشته است (فهرست الطوسی، ص ۲۷۱).

۳. مطالعه فهارس سه‌گانه نجاشی، شیخ طوسی، و ابن ندیم، نشان‌دهنده تألیفِ قریب به سی نگاشته مهدوی در سده سوم با عناوینِ الملاحم، الفتن، الغیبة، القائم، أخبار المهدی و نظایر آن است.

4. “From Imāmiyya to Ithnā-’ashariyya‘” p. 521.

۵. فهرست النجاشی، ص ۱۲۰.

و انتشار آن به سال ۲۰۰۹م (به تحقیق و تصحیح کلبرگ) روایاتی در باب تأویل آیات قرآن به غیبت، در دسترس قرار گرفت[1] که صریحاً ناقضِ ادعای پیشین اوست. در نتیجه، دسترسی به آثار عصر حضور، به ویژه به تک‌نگاری‌های مهدوی اسلاف، طریقِ مناسبی جهت ارزیابی دعاویِ مذکور است. اگر این دسترسی با کشفیاتِ نسخ خطی حاصل نمی‌شود، راهِ بعدی، بازسازیِ این آثار است؛ زیرا بازسازیِ این نگاشته‌های مفقود، به عنوان یک روشِ مبتنی بر داده‌های تاریخی، افزون بر بازآفرینیِ حجم انبوهی از میراث حدیثیِ از دست رفته، اتقان علمیِ انگاره‌های مبتنی بر تحول پاره‌ای از معتقَداتِ امامی را می‌سنجد.

متنِ حاضر با در نظر داشتنِ این هدف، به بازسازی یکی از مهم‌ترین تک‌نگاری‌های مهدوی عصر حضور با عنوانِ الملاحم الکبیر پرداخته است. این اثر ـ که توسط محمد بن جمهور العمی (۱۵۶ق-زنده به ۲۶۶ق) نگاشته شده ـ از طریق دو تن از مشهورترین شاگردان حدیثی او به نسل‌های بعدی راه یافته است. عدم وابستگی مذهبیِ مؤلّف و مشایخِ مباشرِ او به مکاتبِ کیسانی، جارودی، زیدی، ناووسی، سلیمانی، و واقفی ـ که در سده‌های نخستین، باور به غیبت را رواج می‌دادند[2] ـ از اَصالتِ روایات غیبت آن حکایت دارد!

طریقِ بازسازی این اثر، مبتنی بر روش شناخته شده تحلیلِ فهرستی است که در دو کتابِ بازسازی متون کهن حدیث شیعه و القواعد المنهجیه فی التنقیب عن المفقود من الکتب و الأجزاء الحدیثیه تفصیلاً معرفی شده است. در این روش، پس از اطمینان بر وجود یک تک‌نگاریِ مهدوی، بر اساس اطلاعات فهرستی و برخی از داده‌های رجالی، تاریخی و سندشناختی، بخش‌هایی از اثر مورد نظر در آثار موجود واپسین ردیابی، شناسایی و سپس بازسازی خواهد شد. متن حاضر، پس از گفتاری در باب شناخت مؤلف به بازسازی و تحلیل روایات اثرِ مذکور می‌پردازد.

## ۲. شناخت محمد بن جمهور

ابوعبدالله محمد بن جمهور العمی البصری (۱۵۶ق ـ زنده به ۲۶۶ق) - که از او با عنوان

---

۱. کتاب القرائات، ص۱۶۳.

۲. المقالات و الفرق، ج۱، ص۹۰-۹۱؛ الفصل، ج۴، ص۱۳۷؛ فرق الشیعه، ص۵۷؛ مقالات الاسلامیین، ص۶۸؛ الفرق بین الفرق، ص۲۳.

«ابن جمهور» یاد می‌کنیم ـ از ملازمان و خادمان امام هشتم،[1] و از محدّثانِ مشهورِ بصره، و از متهمان به جریانِ غلو است. اگر چه برقی او را در شمار اصحاب امام کاظم علیه السلام داخل کرده،[2] اما شاهدی بر صحت این مطلب در دست نیست. وی افزون بر تألیفِ آثار فقهی و اخلاقی با عنوانِ نوادر الحج، ادب العلم و رسالة المذهّبه (= الرسالة الذهبیه)، آثاری را نیز در حوزه مهدویّت تألیف کرده است: الملاحم الکبیر، وقت خروج القائم و صاحب الزمان.[3] هر چند که با توجه به انفرادِ شیخ در یادکردِ دو کتاب اخیر، چندان نمی‌توان درباره تألیفِ این دو اثر، توسطِ او مطمئن بود؛ زیرا آن گونه که در ادامه خواهد آمد، داده‌های شیخ درباره او مضطرب است. هموا ز یک اثر دیگر با عنوانِ الواحده نیز در فهرست آثارِ ابن جمهور یاد کرده که افزون بر تصریح نجاشی، امامیانِ پسینِ دارنده این کتاب نیز آن را از نگاشته‌های فرزند او دانسته‌اند.[4]

با استناد به آنچه که فرزندِ او در ابتدای الرسالة الذهبیّه آورده، تولّدِ ابن جمهور به سال ۱۵۶ق، رخ داده و در ۴۶ سالگی به همراه امام رضا علیه السلام به مرو نقل مکان نموده است.[5] ملازمتِ وی با امام هشتم علیه السلام در این سفر، حکایت از آن دارد که در مناسک حجّی که آن امام به سال ۲۰۰ق، به جا آورده‌اند،[6] همراه ایشان بوده و احیاناً برخی از معارف و احکام حج را از نزدیک از آن امام آموخته است. تنها اثرِ فقهی او، نوادر الحج نیز احتمالاً از آموخته‌های این سفر آکنده بوده است. اگر چه وی تا مدت‌ها پس از شهادت امام رضا علیه السلام، یعنی تا ابتدای دوران سفارت محمّد بن عثمان (۲۶۵-۳۰۵ق) زنده بوده، اما موفق به دیدار هیچ یک از معصومان علیهم السلام بعدی نشده است. از این رو، جز از امام هشتم، از سایر امامان، هیچ روایت مستقیمی ندارد! شاید همین امر سبب شده تا برخی محققان، وفات او را به سال ۲۱۰ق، توهّم نمایند.[7] این مطلب، بی‌گمان ناصحیح است؛ زیرا وی صریحاً پاره‌ای از وقایع پس از

---

۱. بنا بر گزارشی که با سندِ صحیح از فرزند او در دسترس است، وی ملازم و خادم امام هشتم علیه السلام بوده و از هنگام خروج مدینه به سوی خراسان تا زمان شهادت آن حضرت همراه ایشان بوده است (الرسالة الذهبیة، ص۵).

۲. رجال البرقی، ص۵۱.

۳. فهرستِ النجاشی، ص۳۳۷؛ فهرست الطوسی، ص۴۱۳.

۴. اعلام الوری، ص۳۶۳؛ کتاب رجعت، ص۲۰۱؛ الایقاظ، ص۴۵.

۵. رک: الرسالة الذهبیه، ص۵.

۶. اثبات الوصیة، ص۲۱۰؛ الثاقب فی المناقب، ص۲۰۰ و۵۲۵؛ الخرائج و الجرائح، ج۱، ص۳۷۲؛ کشف الغمة، ج۲، ص۳۶۵.

۷. ایضاح المکنون، ج۲، ص۳۴۸؛ هدیة العارفین، ج۲، ص۱۰.

شـهادتِ امـام عسـکری را روایـت نمـوده[1] و آن‌گونـه کـه نجاشـی در ترجمـه فرزنـدِ او گـزارش کـرده، وی [در سـال ۲۶۶ ق] در حـالی کـه ۱۱۰سـال سـن داشـته، روایـاتی را بـرای فرزنـدش حسـن بـن محمـد گـزارش کـرده اسـت![2] لـذا محمـد بـن جمهـور محدّثِ معمّری اسـت کـه دورانِ زنـدگانیِ امـام هفـتم تـا امـام دوازدهـم را درک کـرده؛ هـر چنـد کـه تنهـا بـه مصـاحبت امـام هشـتم توفیـق یافتـه اسـت. حسـن بـن محمّـد، پسـرِ کوچـک‌ترِ او نیـز بـا عنایـت بـه نقـلِ حکایتی از رخ‌دادهای سال ۲۹۶ق[3] و روایت‌گریِ مستقیم وی از حسین بن روح[4] (م۳۲۶ق) و نیـز بـا توجـه بـه روایـت‌گـری ابوطالـب الأنبـاری (م۳۵۶ق) از او، مـدّت قابـل اعتنـایی را در دوران غیبت کوتاه زیسته است.

بر خلافِ پسر ـ که به تعبیر نجاشی «فی نفسه» ثقه است و جز نقل از ضعفا و اعتماد به مراسیل، عیب دیگری متوجه او نیست،[5] و عالمان سده‌های بعدی از او به عنوان یکی از اعاظم امامیه،[6] و با وصفِ جلیل القدر[7] یاد کرده‌اند ـ پدر به غلو و فساد در مذهب متهم است. از این رو، نجاشی در ترجمه پسر می‌نویسد:

> او اوثق از پدرش، و اصلح از اوست.[8]

تعبیر «اصلح» برای پسر، شاید به این جهت است که پدر، به سبب سروده‌ای منتسب به او درباره دَیرقُنّی در نزدیکی بغداد، به لهو و اباحه برخی از محرّمات متهم بوده است.[9] نجاشی می‌نویسد:

> درباره او چیزهایی گفته شده که خدا از بزرگیِ [گناهِ] آن آگاه‌تر است.[10]

غضـایری نیـز او را غـالی مـی‌شـمرد و از سـروده‌ای از او سـخن مـی‌گویـد کـه از مضـامین

---

۱. الهدایة الکبری، ص۳۶۷؛ تقریب المعارف، ص۴۳۳.
۲. فهرست النجاشی، ص۶۲.
۳. بحار الأنوار، ج۹۱، ص۳۳.
۴. المزار، ص۲۰۲؛ تهذیب الاحکام، ج۶، ص۹۳؛ المزار الکبیر، ص۴۱.
۵. فهرستِ النجاشی، ص۶۲
۶. ر.ک: الایقاظ، ص۴۵.
۷. طبقات مفسزین شیعه، ص۱۹۴.
۸. فهرست النجاشی، ص۶۲.
۹. معجم البلدان، ج۲، ص۵۲۸.
۱۰. فهرست النجاشی، ص۳۳۷.

اباحه‌گرایانه سرشار است؛[۱] هر چند که انتساب چنین سروده‌ای به او، به شدت محلّ تردید است.[۲]

۱. کتاب الضعفاء، ص۹۲.

۲. ابن ندیم مدخل او را با عنوانِ محمّد بن الحسین (= الحسن) بن جمهور می‌گشاید و صریحاً وی را از خواصّ اصحاب امام هشتم و نویسنده کتاب الواحده معرفی می‌کند. (فهرست ابن ندیم، ص۳۱۲) شیخ نیز در فهرست، مدخلی را با عنوانِ محمّد بن الحسن بن جمهور گشوده و الواحده را به وی نسبت داده است! افزون بر انتساب ناصحیح الواحده به او، باید به عنوانِ مداخل یاد شده نیز دقّت نمود. از میان قریب به دویست روایت بر جای مانده از ابن جمهور العمّی صحابی امام هشتم، هرگز از وی با عنوانِ محمّد بن الحسین یا محمّد بن الحسن، یاد نشده است. هم چنین شیخ اگرچه در عنوان مدخل او را محمد بن الحسن بن جمهور معرفی کرده اما در ضمن ارائه طریق کتب او، وی را محمد بن جمهور خوانده است. نکته حائز اهمیت آن است که به طور کاملاً تصادفی عنوان یاد شده، نامِ نوه‌ی ابن جمهورِ صحابی است! شاید گمان شود شیخ طوسی به هنگام تألیفِ الرّجال با در نظر گرفتنِ دو عنوان، یکی «محمّد بن جمهور» در زمره اصحاب امام رضا، و دیگری «محمّد بن الحسن بن جمهور» در باب کسانی که از هیچ یک از امامان حدیثی ندارند، به خوبی میان نوه و پدر بزرگ فرق گذاشته است، امّا حقیقت آن است که عنوانِ دوّم نیز با آنکه در باب «من لم یرو عن واحد من الأئمه» آمده، باز هم متوجّه همان محمّد بن جمهورِ صحابی (۱۵۶ ـ زنده به ۲۶۶ ق) است، زیرا طریقی که شیخ برای روایات او آورده، جز با ابن جمهور صحابی نمی‌سازد. البتّه چنین اتفاقی در رجال شیخ چندان غریب نیست و صحابیان قابل اعتنایی هم در باب یکی از معصومان و هم در باب «لم» طبقه‌بندی شده‌اند، (نگر: آشنایی با منابع رجالی شیعه، صص۹۰ و ۹۱) امّا با این همه و با عنایت به رساله ذهبیبه از امام هشتم، به نظر می‌رسد آن چنان که دیگر محقّقان نیز تذکّر داده‌اند، داده‌های رجالی شیخ درباره محمّد بن جمهور خالی از سهو و تشویش نیست. (نگر: افندی، ریاض العلماء، ج۱، ص۳۱۶) شاید چنین تشویشی ابتدائاً چندان حائز اهمّیّت نباشد، امّا احتمالاً عنوان‌دهی اتّفاقی به محمّد بن جمهور به نامِ نوه‌ی او، معضلاتی را پدید آورده است. چرا که ابن غضائری در مدخلِ «محمّد بن الحسن بن جمهور أبو عبد الله العمّی» با تعبیرِ «رأیت له شعراً یحلّل فیه حرمات الله»، سروده‌ای سرشار از اباحه‌گری را به صاحبِ مدخل نسبت داده است. (کتاب الضعفاء، ص۹۲) به طور قطعی معلوم نیست که ابن غضائری واقعاً صاحب مدخل را می‌شناخته یا خیر. زیرا هیچ اطّلاعاتی از مشایخ، شاگردان و کتب او ارائه نداده است. هم‌چنین معلوم نیست که وی در این مدخل، ابن جمهورِ صحابی (یعنی پدر بزرگ) را قصد کرده یا ابن جمهورِ اِباحی (یعنی نوه او) را. افزون بر این معلوم نیست که آیا ابن غضائری به تعدّد این دو محمّد که به «ابن جمهور العمّی» مشهورند، آگاه بوده یا خیر. تنها وجه تمایز در کلام ابن‌غضائری، کنیه‌ای است که برای صاحب مدخل به کار برده است: أبو عبد الله. با این کنیه به نظر می‌رسد که او نیز ابن جمهورِ صحابی را قصد کرده و البتّه در عنوان‌دهی مرتکب همان سهو پیشینی توسط ابن ندیم شده است. پس از او نجاشی در اقدامی شگفت، با آنکه از عنوان دقیق محمّد بن جمهور برای او بهره گرفته، و وی را از روات امام هشتم دانسته است، امّا رسماً و صریحاً اباحه‌گری را به او نسبت داده است. (فهرست النجاشی، ص۳۳۷) حال آنکه داده‌های تاریخی و ادبی به نیکویی نشان می‌دهد که سروده‌ی مذکور و احوالات اباحه‌گرایانه، به نوه انتساب دارد نه به پدر بزرگ! برای نمونه، شابشتی (م۳۸۸ق)، ضمن ارائه‌ی سروده‌ی مذکور ذیل بابِ دیر قُنّی (نزدیک بغداد) صریحاً آن را به أبو علی محمّد بن الحسین (= الحسن) بن جمهور العمّی نواده‌ی ابن جمهورِ صحابی نسبت داده و تأکید کرده که پدر او از روایان اهل بیت، و حامل کتابی از ایشان بوده است! (نگر: الدیارات، صص۳۰۰ –۳۰۳) ابو علی تنوخی (م۳۸۴ ق) ادیب سرشناس نیمه دوم سده چهارم که خود شاگردِ ابو علی محمد بن الحسن بن جمهور در شعر و ادب و کتابت و خط بوده، چنین سروده‌هایی را به وی نسبت داده (نشوار المحاضرة و اخبار المذاکرة، ج۴، ص۱۰۹) و او را با اوصافی چون کاتب، شاعر، ادیب، ←

شیخ نیز صریحاً او را «غال» می‌خواند[1] و تصریح می‌کند که روایات او را پس از تصفیه از مضامینِ غالیانه در اختیار داشته است.[2] لذا رجالیان امامی با رویکردی واحد از فسادِ مذهب او سخن رانده‌اند؛ هرچند که همینک روایات گزارش شده از او، به دلیلِ فیلترشدنِ مضامینِ غالیانه،[3] خالی از معانیِ یاد شده است. با این حال، جز نجاشی که او را «ضعیف فی الحدیث»[4] خوانده، هیچ‌یک از رجالیان متقدّم او را به ضعف (به نحو مطلق) متّهم نکرده است. از این رو، برخی از محققان تعبیرِ نجاشی در شرحِ حالِ پسر، مبنی بر «کان أوثَقَ مِن أبیه»، را به معنایِ تحقق مرتبه‌ای از مراتب وثاقت در پدر استظهار کرده‌اند که با توجه نمونه‌های نقضِ دیگر، چندان مورد اعتنا نیست.[5]

## ۳. بازسازیِ الملاحم الکبیر

اگرچه نجاشی و شیخ در بیانِ طریق دسترسی به کتب ابن جمهور، از [ابوعلی] احمد بن الحسین بن سعید الأهوازی[6] نام برده‌اند[7] و صدوق در الفقیه به واسطه شخصی نامعلوم به نامِ ابویحیی الاهوازی (شاید همان احمد بن الحسین) هر دو روایت منقول از محمد بن جمهور را

← جیّد الخط، حسن الترّسل، و کثیر المصنّفات لکتب الادب خوانده است. (الفرج بعد الشدة، ج۴، ص۳۳۷) اوصافی که هرگز درباره ابن جمهورِ پدربزرگ به کار نرفته است! یاقوت حموی (م۶۲۶ق) هم تصریح دارد که شاعر این شعر، ابو علی محمّد بن الحسن بن جمهور است. (حموی، معجم البلدان، ج۲، ص۵۲۸) أبوسعد آبی (م۴۲۱ق) نیز نامه‌های زادمهر جاریه ابو علی را که سرشار از اتّهامات مستهجن و اباحی‌گری است، به تفصیل گزارش کرده است. (آبی، نثر الدر فی المحاضرات، ج۴، صص ۱۹۴ –۱۹۸؛ نمونه‌های بیشتر: حکایة ابی‌القاسم البغدادی، صص۷۰ – ۷۵) در این حکایات صریحاً از کنیه ابوعلی برای ابن جمهور سخن به میان آمده است، (نگر: حکایة ابی‌القاسم البغدادی، صص۷۱ و ۷۲) زادمهر نیز در متن نامه‌ها، ابن جمهور را با لفظِ «یا ابا علی» (= کنیه نوه) خطاب کرده است. (نگر: آبی، همان، ص۱۹۶) در نتیجه شکی نیست که اتّهام اباحه و شاعری و حلال شمردن حرمات الله، به ابوعلی محمد یعنی ابن جمهورِ نوه اختصاص دارد نه به پدر بزرگ! ظاهراً تشابه در اسم «محمد» و شهرت «ابن جمهور» و وصف مشترکِ «العمّی» میان پدر بزرگ و نوه، (و احیاناً عدم شناختِ دقیق هر دو ابن جمهور) سبب شده تا ابن غضائری و احتمالاً به تبع او نجاشی اباحه‌گری را به ابو عبد الله محمد بن جمهور صحابی نسبت دهند.

۱. رجال الطوسی، ص۳۶۴.

۲. فهرست الطوسی، ص۴۱۳.

۳. ر.ک: همانجا.

۴. فهرست النجاشی، ص۳۳۷.

۵. طبقات أعلام الشیعة، ج۱، ص۹۸.

۶. فهرست النجاشی، ص۳۳۷؛ فهرست الطوسی، ص۴۱۳.

۷. فهرست النجاشی، ص۳۳۷؛ فهرست الطوسی، ص۴۱۳.

گزارش کرده است،[1] اما جستجو در هیجده اثرِ حدیثی متقدّم تا پایان سده چهارم[2] نشان می‌دهد که مُعلّی بن محمّد البصری و حسن بن محمّد بن جمهور، فرزندِ او، بیشترین سهم را در انتقال احادیث او به نسل‌های بعدی برعهده داشته‌اند. از ۱۴۳حدیثِ ابن جمهور در هیجده اثرِ یاد شده، ۵۷ حدیث آن، (یعنی ۴۰٪)، از معلّی بن محمد البصری گزارش شده است. پسر نیز در آثار یاد شده، سهمی بیش از ۲۷٪ دارد؛ یعنی ۳۹ حدیث از ۱۴۳حدیث.

در فهرست آثار هر دو شاگردِ حدیثیِ یاد شده، وجود نگاشته‌هایی مرتبط با امامت و مهدویت جلب توجه می‌کند. مُعلّی بن محمّد البصری کتابی با عنوانِ سیرة القائم داشته[3] و حسن بن محمد بن جمهور کتاب الواحده را نگاشته است.[4] گزارش‌های مستقیم عالمان سده‌های بعدی از الواحده[5] در کنارِ بازسازیِ محتوای آن نشان می‌دهد که این کتاب در بابِ فضایل و معجزات امامان معصوم علیهم‌السلام و مثالبِ دشمنانِ ایشان نگاشته شده است. عنوانِ الواحده نیز به احتمال از آیه ۴۶ سوره سبأ و تأویل امام باقر علیه‌السلام ذیل آن اخذ شده است.[6] حدیثی دیگر از امام صادق نیز ولایت را با وصفِ «الواحده» همراه کرده است.[7] حدیثِ اخیر از طریقِ ابن جمهور در مصادر امامی راه یافته است.

افزون بر آنچه که تا کنون ارائه شد، به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته در بازسازیِ الملاحم الکبیر را باید در واپسین عبارتِ شیخ در شرح حال معلی بن محمد جستجو نمود؛ آنجا که شیخ می‌نویسد الملاحمِ ابن جمهور از معلی بن محمد روایت شده است[8] این عبارت گویای آن است که بیش از هر راویِ دیگری گزارش‌های معلی بن محمد در بازسازی اثر مذکور کارگر است.

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۴۹۲.

۲. این آثار عبارت‌اند از: کتب چهارگانه، نُه کتاب از شیخ صدوق به نام‌هایِ کمال الدین، التوحید، الامالی، علل الشرایع، الخصال، فضائل الاشهر الثلاثه، عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تفسیر القمی، المحاسن، بصائر الدرجات، الهدایةالکبری، الامامة و التبصره، المسترشد، الغیبه، کفایة الاثر.

۳. فهرست الطوسی، ص۴۶۰.

۴. فهرست النجاشی، ص۶۲

۵. فرج المهموم، ص۲و۹۶؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۳۶۳؛ مشارق انوار الیقین، ص۶۵ و۲۵۳؛ کتاب رجعت، ص۲۰۱.

۶. الکافی، ج۱، ص۲۴۰.

۷. همان، ج۲، ص۲۲.

۸. فهرست الطوسی، ص۴۶۰.

مطالعه الکافی نشان می‌دهد که کلینی (م۳۲۸ یا ۳۲۹ق) از طریقِ ابوعبدالله حسین بن محمد بن عامر اشعری شیخِ مباشرِ خود، به آثارِ معلی بن محمد دسترسی داشته است. این نکته زمانی اهمیت دارد که بدانیم حسین بن محمد بن عامر کسی است که بنا بر گزارش شیخ و نجاشی آثار معلی بن محمد را به نسل‌های بعدی منتقل کرده است.[1] از ۶۳۲ سندِ حدیثی که از معلی بن محمد در الکافی موجود است، ۶۲۹ سند آن از حسین بن محمد بن عامر اخذ شده و سه سندِ دیگر به طور مبهم با قیدِ «من حدّثه» ذکر گردیده است. این امر به وضوح نشان می‌دهد که کلینی به واسطه او آثارِ معلی بن محمد را در اختیار داشته و از آن نقل حدیث کرده است. از ۶۲۹ سندِ موجود از معلی بن محمد در الکافی، ۳۷ سندِ آن (مشتمل بر ۳۲ حدیث) از محمد بن جمهور روایت شده که همگی در ترکیبِ «الحسین بن محمد بن عامر، عن معلی بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن... عن...» مشترک هستند. تفاوت تمامیِ سلسله اسانیدِ یاد شده پس از ابن جمهور، در کنارِ عبارتِ مذکور از شیخ مبنی بر گزارش الملاحم توسطِ معلی بن محمد، این اطمینان را حاصل می‌کند که وی این روایات را از الملاحم الکبیر اخذ نموده است. ۲۸ حدیث از ۳۲ حدیثِ یاد شده، در باب امامت و مهدویت است.

پیش از کلینی، صفّار (م ۲۹۰ق) نیز نُه حدیث از ابن جمهور نقل کرده که شش حدیث آن از طریقِ یاد شده، یعنی «الحسین بن محمد، عن معلی بن محمد، عن محمد بن جمهور، عن... عن...» گزارش شده است.[2] چهار حدیث از شش حدیثِ مذکور عیناً در الکافی موجود است.[3] این امر نشان می‌دهد که هم صفار (م ۲۹۰ق) و هم کلینی (م۳۲۸ یا ۳۲ق) مستقل از یکدیگر، از طریقِ یکسان، به واسطه معلی بن محمد، به بخش‌هایی از الملاحم الکبیر دست یافته‌اند. ابن‌قولویه[4] (م۳۶۸ق) نیز از طریقِ یاد شده به نقل حدیث پرداخته‌اند. نعمانی (م ۳۶۰ق) به واسطه کلینی،[5] شیخِ مفید (م۴۱۳ق) به واسطه ابن‌قولویه،[6] و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) به واسطه شیخ مفید از ابن‌قولویه[7] از همین طریق به گزارش روایاتِ محمّد

---

۱. همانجا؛ فهرست النجاشی، ص۴۱۸.
۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۱، ۴۷۷، ۴۸۹، ۴۹۴ و ۴۹۷.
۳. الغیبة، ص۳۲۹.
۴. کامل الزیارات، ص۱۷۴.
۵. الغیبة، ص۳۲۹.
۶. الاختصاص، ص۲؛ امالی المفید، ص۲۹.
۷. امالی الطوسی، ص۶۷.

بـن جمهـور، همّـت گماشـته‌انـد. در سـده‌هـای بعـد، عمادالـدین طبـری (م۵۵۳ق) از طریـقِ ابوعلی الطوسیِ، فرزندِ شیخ طوسی، بخش‌هایی از روایات عالمان بغدادی مذکور از محمد بـن جمهور را گـزارش کـرده اسـت.[۱] ابـن بابویـة اول (م۳۲۹ق) نیـز بـه واسـطه سـعد بـن عبـدالله (م۲۹۹یا ۳۰۱ق) به نقل دو حدیثِ مهدوی مهم از محمد بن جمهور همّت گماشته است: یکی، از طریقِ معلی بن محمد و دیگری، از طریقِ احمد بن الحسین بن سعید [الاهوازی].[۲] صدوق نیز از طریق پدر و ابن‌الولید (م۳۴۳ق) از سعد بن عبدالله از معلی بن محمد از محمد جمهور گزارش‌هایی در باب مهدویت دارد.[۳] در نتیجه یکی از راه‌های دسترسی به آثار ابن جمهور، توجه به روایاتِ معلی بن محمد البصری مهم‌ترین شاگردِ حدیثی اوست؛ به ویژه آن که می‌دانیم وی الملاحم الکبیر را گزارش کرده است.

در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم (ز.۳۰۷ق) روایاتی از محمد بن جمهور در دسترس است که همگی متعلق به مجلد دوم این اثر، و روایت شده از طریقِ راویانِ هم‌طبقه یا راویان متأخر از علی بن ابراهیم است. لذا بنا بر پژوهش‌های پیشینی،[۴] این دست از گزارش‌ها، متعلـق بـه علـی بـن حـاتم القزوینـی (زنـده بـه ۳۵۰ق)، اسـتادِ ابـن قولویـه (م۳۶۸ق) اسـت. گزارش‌های ابن حاتم از ابن جمهور در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم، گاه از طریق یاد شده (یعنی الحسین بن محمد بن عامر از معلی بن محمد) صورت پذیرفته که اگرچه همگی در باب امامت و ولایت است، اما هیچ‌یک نسبت روشنی با مباحث مهدویت و ملاحم ندارد؛ و گاه از طرق دیگری است که اگرچه مرتبط با مهدویت و ملاحم است، اما-به جهتِ تشتت اسانید آن تا محمد بن جمهور، نمی‌توان درباره وجود این روایات در نگاشته‌های او قضـاوت کـرد.[۵] لـذا مطالعـه تفسـیر منسـوب بـه علـی بـن ابـراهیم، ثمـره قابـل اعتنـایی بـرای بازسازی الملاحم الکبیر ندارد.

افزون بر معلی بن محمد، از طریقِ پسر نیز آثارِ ابن جمهور به نسل‌های بعد منتقل شده است. برای نمونه و بنا بر گزارشِ ابن‌الندیم (م۳۸۵ق)، محمّد بن عیسی بن عُبَید در کتاب

۱. بشارة المصطفی، ص۳.

۲. الامامة و التبصرة، ص۱۰۹و۱۳۱.

۳. برای نمونه ر.ک: کمال الدین، ج۱، ص۱۵۲.

۴. بنا بر پژوهش‌های صورت‌یافته، نسخه در دسترسِ کتابِ مشهور به تفسیر القمّیّ، نگاشته ابوالحسن علی‌بن‌حاتم القزوینی است. ر.ک: «تفسیر القمّیّ بحث حول النّسخة المتداولة»، ص۷۵-۸۹؛ «در حاشیه دو مقاله»، ص۵۰.

۵. تفسیر القمی، ج۲، ص۳۷۹، ۲۶۸، ۲۵۶، ۲۰۶، ۱۵۴.

الأمــل و الرجــاء، - کـه همینـک مفقـود اسـت ـ تمـامی روایـاتِ ابـن جمهـور را، بـی‌اسـتثنا، از طریقِ پسر او حسن بن محمد بن جمهور گزارش کرده است.[1] امّا تـا آنجا که به گـزارش‌هـای مهدوی، و بازسازی الملاحم الکبیر مربوط می‌شود، نعمانی (م ۳۶۰ق) در الغیبه، به واسطه دو تـن از مشـایخِ خـود، ابـوعلـی محمّـد بـن همّـام بـن سـهیل الاسـکافی الکاتـب (۲۵۸-۳۳۶ق) و محمـد بـن الحسـن بـن محمـد بـن جمهـور، نوه ابـن‌جمهـور، بـه نحـو توأمـان، هفـت حـدیث از حسن بن محمد بن جمهور روایت کرده که پنج حدیث آن از محمد بن جمهور العمی اخذ شده است. تناسبِ محتوای هر پـنج روایـتِ مذکور با مباحـثِ مهـدویت و ملاحـم، و تفـاوت سلسله اسانیدِ آن از بعد از محمد بن جمهور این اطمینان را حاصل می‌کنـد کـه ایـن روایـات، بخش‌هایی از الملاحم الکبیر بوده‌اند که فرزندِ او در آثار خود، به احتمـال زیـاد کتـاب الواحده، آن را انعکاس داده و از طریقِ یاد شده در اختیار نعمانی قرار گرفته است. خصـیبی[2] (م ۳۳۴ یا ۳۴۶ یا ۳۵۸ق) به نحو مستقیم، و خَزّاز قمی[3] (م ۴۰۰ق) نیز به واسطه چند تن از مشایخ مباشر خـود، از أبـوعلی الإسـکافی (م ۳۳۶ق) از حسـن بـن محمـد بـن جمهـور، از محمـد بـن جمهـور گزارش‌هایی دارد که با مباحث مهدوی در ارتباط است. محمد بن وهبـان الدُبَیلی، محدّث مـورد وثـوقِ امـامیِ سـده چهـارم نیـز گـزارش‌هـای متعـددی از ابـن جمهـور دارد کـه پـاره‌ای از ایـن گـزارش‌هـا، از طریـقِ محمـد بـن الحسـن بـن محمـد بـن جمهـور (نـوه ابـن جمهـور)، از پـدرش الحسـن بـن محمـد (فرزنـد ابـن جمهـور) صـورت یافتـه اسـت. اگرچـه هـیچ‌یـک از آثـار دُبَیلـی همینـک موجود نیست، امّا سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) به رغم فاصله سیصد سـاله بـا وی، بـه برکتِ در اختیار داشتنِ برخی از مصنفاتِ او، چنـدین روایـتِ مهـدوی را بـه طریـق یـاد شـده از محمد بن جمهور گزارش کرده است.[4]

راه دیگرِ دسترسی به روایاتِ الملاحم الکبیر را باید در خلال گـزارش‌هـای موجـود از محمـد بن العباس بن علی بن مروان بن الماهیار (زنده به ۳۲۸ق) معروف به ابن الجَحّام فقیـه، مفسّـر و محدّثِ مورد وثوق امامیِ معاصر با کلینی جستجو نمود.[5] اگرچه هیچ‌یک از آثار ابن ماهیـار همینـک موجود نیسـت، امـا حجـم قابلِ اعتنـایی از آثار تفسیری او توسطِ عالمـان نسـل‌هـای

۱. فهرست ابن‌الندیم، ص ۳۱۲.

۲. الهدایة الکبری، ص ۳۷۵.

۳. کفایة الاثر، ص ۸۱ و ۳۰۹.

۴. فلاح السائل، ص ۱۷۰؛ اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵. فهرست النجاشی، ص ۳۷۹.

بعدی گزارش شده است.[1] از گزارش‌های مستقیم و متعدد استرآبادی (م ۹۴۰ق) از ابن ماهیار چنین برمی‌آید که مهم‌ترین نگاشته‌های تفسیری وی تا اواخر سده دهم موجود بوده است. وی به واسطه حسن بن محمد بن جمهور، روایاتی از محمد بن جمهور دارد که همگی در باب تأویل آیات قرآن و مربوط به مباحثِ مهدوی و ملاحم است. از این رو، گزارش‌های ابن ماهیار نیز باید در کنار دیگر مصادر امامیِ سده چهارم، جهت بازسازی الملاحم الکبیر به کار گرفته شود.

افزون بر آنچه گفته شد، کتاب القرائات نگاشته أحمد بن محمد السّیّاری (م. نیمه سده سوم)، شاگردِ مباشر ابن جمهور، تنها اثر برجای‌مانده از طبقه شاگردانِ وی، مشتمل بر بیست و پنجِ حدیث بی‌واسطه از اوست که بخش‌هایی از آن مرتبط با ملاحم و مهدویت است.[2]

واپسین طریقِ دست‌یابی به روایات ابن جمهور را باید در خلال روایاتِ پراکنده اصحاب امامیه جستجو نمود. البته این گزارش‌های پراکنده، مانندِ گزارش‌های علی بن حاتم قزوینی (زنده به ۳۵۰ق) و ابن المشهدی (م ۶۱۰ق)، هیچ ترجیحی ندارد که از نگاشته‌های محمد بن جمهور اخذ شده باشد، اما با این حال، با توجه به حضور وی در سلسله اسانید این روایات و ارتباط آن روایات با مباحث مهدوی و ملاحم، به این گزارش‌ها نیز توجه شده است.

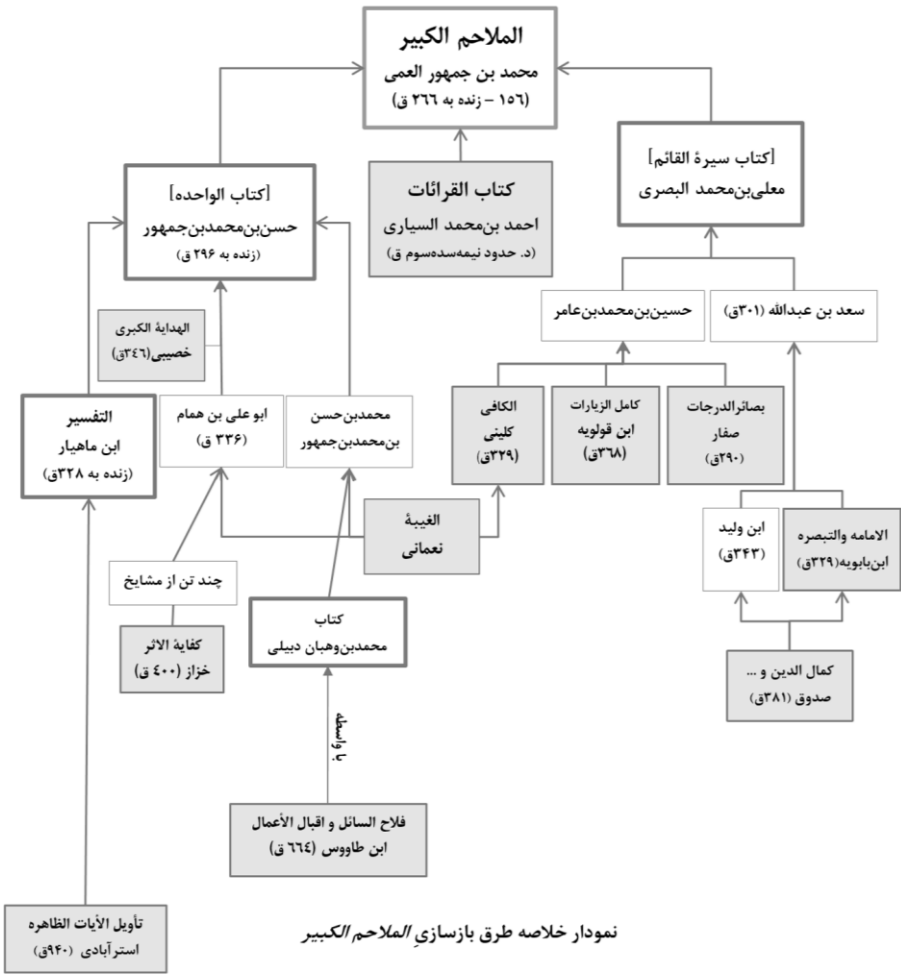
با عنایت به آنچه که تاکنون گفته شد، به سه طریق می‌توان به بخش‌هایی از الملاحم الکبیر راه یافت:

یکم. از طریقِ ابوعلی معلی بن محمد البصری مهم‌ترین شاگرد حدیثی او و راویِ الملاحم الکبیر؛ دوم. از طریقِ فرزندِ وی که بسیاری از روایات محمد بن جمهور توسط او گزارش شده است؛ سوم. از طریقِ احمد بن محمد السیاری شاگرد مباشر او در کتاب القرائات.

صفّار و کلینی از راه نخست، ابن‌ماهیار و خزّاز از راه دوم و نعمانی از هر دو طریق، بخش‌هایی از الملاحم الکبیر را گزارش نموده‌اند. البته روایاتِ احمد بن الحسین بن سعید اهوازی نیز با توجه به آن که نجاشی و شیخ او را راویِ آثار محمد بن جمهور دانسته‌اند،[3] در خور توجه است؛ اما از آن‌جایی که جز یک حدیث مهدوی در الامامة و التبصرة، هیچ خبرِ مهدویِ دیگری از طریق او از ابن جمهور گزارش نشده است. بنابراین، از ذکر نام وی در نمودار

۱. ر.ک: «تفسیر ابن ماهیار، اصالت، مصادر و محتوا»، سراسر اثر.
۲. القرائات، ص۱۰۷، ۱۵۲.
۳. فهرست النجاشی، ص۳۷۹؛ فهرست الطوسی، ص۴۶۰.

ذیل صرف نظر شده است. همچنین، در این نمودار روایات پراکنده اصحاب امامیه ـ که نمی‌توان به وجود آن در نگاشته‌های ابن جمهور اطمینان حاصل کرد ـ نادیده گرفته شده‌اند. نمودار شماره ۱، خلاصه طرق بازسازیِ الملاحم الکبیر را ارائه کرده است. در این نمودار، برای آثار موجود از مستطیل‌های تیره بهره گرفته شده است. مستطیل‌های غیر تیره با کادرِ درشت‌تر، معرف آثار غیرموجودند. مستطیل‌های بی‌رنگ با کادر نازک نیز حاوی نام راویان است.




نمودار خلاصه طرق بازسازیِ *الملاحم الکبیر*

این نمودار آشکارا گویای آن است که متقدمانِ قم، به واسطه نگاشته‌ها یا اجازاتِ معلی بن محمد به آثار ابن جمهور دسترسی یافته‌اند. صفار(م ۲۹۰ق)، کلینی(م ۳۲۹ق) ابن قولویه(م ۳۶۸ق) از طریقِ حسین بن محمد بن عامر، و ابن بابویه و ابن الولید از طریقِ سعد

بن عبدالله. در آن سو، بغدادیانِ نیمه نخستِ سده چهارم، چون ابن‌ماهیار(ز.۳۲۸ق)، ابوعلی اسکافی(م۳۳۶ق) و خصیبی(م۳۴۶ق) نیز از طریقِ نگاشته‌های فرزندِ ابن‌جمهور، به بخش‌هایی از آثار او راه جسته‌اند. نعمانی(م ۳۶۰ق) امّا به برکتِ حضور کلینی در بغداد و تتلمذ در محضر او، افزون بر دسترسی به آثار ابن‌جمهور از طریقِ ابوعلی اسکافی و نوه ابن‌جمهور، از طریقِ کلینی نیز بخش‌هایی از الملاحم الکبیر را دریافت کرده است. لذا نعمانی نخستین محدثی است که به نحوِ توأمان امکان دسترسی به الملاحم الکبیر را از دو طریقِ معلی بن محمد و حسن بن محمد بن جمهور فراهم آورده است. بغدادیانِ پسین، چون شیخ مفید(م۴۱۳ق) و شاگردان او نیز به واسطه حضور ابن قولویه در بغداد، بخش‌هایی از میراث حدیثی ابن‌جمهور را از طریقِ محدثانِ قم در اختیار داشته‌اند. جدول ذیل مصادر نقش‌آفرین در بازسازی الملاحم الکبیر را به همراه تعداد احادیث مأخوذ از آن در خود جای داده است.

| جدول ۱. مصدرشناسی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر و تعداد احادیث مأخوذ از آن | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| سیّاری(م. سده سوم) | ۳ | ابن‌ماهیار*(ز. ۳۲۸) | ۴ | خَزّاز(م۴۰۰) | ۲ |
| صفّار(م۲۹۰) | ۲ | خصیبی(م۳۴۶) | ۲ | ابن‌طاووس(م۶۶۴)** | ۲ |
| کلینی(م۳۲۹) | ۱۳ | نعمانی(م۳۶۰) | ۶ | استرآبادی(م۹۴۰) | ۱+۴* |
| ابن‌بابویه(م۳۲۹) | ۲ | صدوق(م۳۸۱) | ۳ | گزارش‌های پراکنده مرتبط*** | ۲ |
| * با توجه به مفقود بودن کتاب ابن‌ماهیار، گزارش‌های او با واسطه استرآبادی دردسترس قرار دارد. | | | | | |
| **گزارش‌های ابن طاووس، مأخوذ از کتاب محمد بن وهبان الدبیلی است. | | | | | |
| *** شاملِ گزارشِ علی‌بن‌حاتم قروینی در تفسیر منسوب به القمی و گزارش ابن‌المشهدی | | | | | |

**۳-۱. طیف‌شناسی موضوعی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر**

از مجموع ۴۲ حدیثی که به روش پیش گفته امکان بازسازی یافته‌اند، هفده حدیثِ آن در بابِ امامت، نوزده حدیث در باب مهدویت و ملاحم، و پنج حدیث اختصاصاً درباره آموزه غیبت است. مطالعه روایات هفده‌گانه در مسئله امامت نشان می‌دهد که موضوعاتی چون نصب الهی امام، توالی و استمرار امامان، اهمیت شناختِ امام و تأویل آیات قرآن به موضوعات مرتبط با امامت، بیش از سایر مباحث، مورد توجّه بوده و با بسامدِ بیشتری تکرار

شده است. لذا این فرضیه که احتمالاً در الملاحم الکبیر، مباحثِ کلامیِ مورد اختلاف و بین المذاهبی، بیش از مباحثِ فضایل، سیره، و کرامات حضرات معصومان علیهم‌السلام مورد عنایت مؤلّف بوده، تقویت می‌شود. نبود هیچ روایتی در بابِ تاریخ و سیره امامان (جز برخی ملاحظات درباره حضرت حجت) نیز افزون بر آن که حکایت‌گر همین فرضیه است، صبغه کلامی این اثر را تأیید می‌کند.

در میانِ احادیثِ ملاحم و مرتبط با مباحثِ مهدویِ الملاحم الکبیر نیز اوصاف حضرت حجت (نه اوصاف ظاهری، بلکه اوصاف کمال حضرت) در کنارِ تأویل آیات به مباحث مرتبط با مهدویت، بیشترین بسامد تکرار را دارد. پس از این دو، مباحثی چون ملاحم و علائم ظهور و نَسَب قائم (یعنی حسینی بودنِ آن حضرت) در فرایند بازسازی، بیش از سایر مباحث بروز یافته است.

نکته مهم در بسامد موضوعیِ روایات امامت و مهدویت آن است که در هر دو طیف یاد شده، بیشترین بسامد تکرار مربوط به تأویل باطنی آیات قرآنی است. این نکته، افزون بر آن که با مشیِ حدیثی و قریحه محدّثان متّهم به جریان به غلو همخوانی دارد، معلّل به شرایط بازسازی کتاب نیز هست؛ زیرا اوّلاً پاره‌ای از آثارِ واسطه در بازسازی الملاحم الکبیر، یک منبعِ تفسیری هستند (مانندِ القرائات، تفسیر ابن‌ماهیار و تأویل‌الآیات) و ثانیاً کلینی به عنوان مهم‌ترین منبع واسطِ بازسازی این کتاب، توجّه ویژه‌ای به روایاتِ تأویلی محمّد بن جمهور داشته است.

در باب روایاتِ آموزه غیبت، در گفتار بعدی بحث شده است. جدول شماره دو، طیف‌های مختلفِ موضوعی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر را به تفکیک موضوع اصلی آن (امامت، مهدویت، غیبت) ارائه کرده و بسامد آن را نشان داده است. از آنجایی که ممکن است در یک حدیث به موضوعات مختلف پرداخته شده باشد، طبیعتاً بسامد تکرار موضوعات مختلف، از مجموع تعداد احادیث بیشتر است.

جدول ۲. طیف‌شناسی موضوعی روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر و بسامد آن

| | | |
|---|---|---|
| امامت [۱۷حدیث] | نصب الهی امام | ۴ |
| | اهمیت شناخت امام | ۶ |
| | اسامی تعدادی از امامان | ۴ |
| | اسامی همه امامان | ۱ |
| | توالی و استمرار امامان | ۵ |
| | گستره حجیت امام | ۱ |
| | اوصاف امام | ۳ |
| | ضرورت شناخت امام | ۲ |
| | تأویل آیات به امامت | ۷ |
| | مجموع ا حادیث امامت | ۱۷ |
| مهدویت [۱۹حدیث] | اوصاف حضرت | ۶ |
| | ملاحم | ۴ |
| | علائم ظهور | ۳ |
| | تأویل آیات به حضرت مهدوی و مباحث مهدوی | ۷ |
| | یاران حضرت | ۲ |
| | تصریح به نام پدر حضرت | ۲ |
| | تصریح به نام حضرت | ۱ |
| | توصیه به صبر و عدم خروج | ۱ |
| | وصف مادر حضرت | ۱ |
| | محل خروج قائم | ۲ |
| | نَسب (حسینی بودنِ) قائم | ۳ |
| | مجموع احادیث مهدویت | ۱۹ |
| غیبت [۵حدیث] | غیبت صاحب الامر | ۵ |
| | تولد مخفیانه | ۲ |
| | کیفیت غیبت | ۱ |
| | سابقه غیبت (شباهت به انبیای سلف) | ۲ |
| | ائتمام به امام در زمان غیبت | ۱ |
| | صفات رستگاران در عصر غیبت | ۱ |
| | تأویل آیات به غیبت | ۱ |
| | علت غیبت | ۱ |
| | ضرورت وجود حجت و خالی نماندن زمین از حجت | ۱ |
| | مجموع احادیث باب غیبت | ۵ |

**۳-۲. مطالعه روایات اختصاصیِ باب غیبت، برآمده از نتایج بازسازی الملاحم الکبیر**

پیش از تحلیلِ روایات غیبتِ الملاحم الکبیر، لازم است این روایات مورد مطالعه قرار گیرد. البته برخی از روایات امامت نیز برای تحلیلِ مسئله غیبت در اثر مذکور کارگرند که به دلیلِ محدودیت واژگان، به ذکر منبعِ آن روایت بسنده شده است.

**۳-۲-۱. روایت اول: [ابن بابویه]**

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ وَ غَيْرِهِ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ]،[1] عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: فِي الْقَائِمِ عليه السلام سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام. فَقُلْتُ: وَ مَا سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؟ قَالَ: خَفَاءُ مَوْلِدِهِ، وَ غَيْبَتُهُ عَنْ قَوْمِهِ. فَقُلْتُ: وَكَمْ غَابَ مُوسَى عَنْ أَهْلِهِ وَ قَوْمِهِ؟ فَقَالَ: ثَمَانِيَ وَ عِشْرِينَ سَنَةً.[2]

روایت فوق را صدوق نیز به نقل از پدر در کمال الدین گزارش کرده است.[3]

**۳-۲-۲. روایت دوم: [النعمانی]**

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْمِنْبَرِ: إِذَا هَلَكَ الْخَاطِبُ وَ زَاغَ صَاحِبُ الْعَصْرِ وَ بَقِيَتْ قُلُوبٌ تَتَقَلَّبُ فَمِنْ مُخْصِبٍ وَ مُجْدِبٍ هَلَكَ الْمُتَمَنُّونَ وَ اضْمَحَلَّ الْمُضْمَحِلُّونَ وَ بَقِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُونَ ثَلَاثُمِائَةٍ أَوْ يَزِيدُونَ تُجَاهِدُ مَعَهُمْ عِصَابَةٌ جَاهَدَتْ مَعَ رَسُولِ اللهِ يَوْمَ بَدْرٍ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَمْ تَمُتْ.[4]

**۳-۲-۳. روایت سوم: [الصدوق]**

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رضي الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتَمُّ

---

۱. عبارت اضافه شده از کمال الدین است.

۲. الامامة و التبصره، ص۱۰۹.

۳. کمال الدین، ج۱، ص۱۵۲.

۴. الغیبة، ص۱۹۶.

بِهِ فِی غَیْبَتِهِ قَبْلَ قِیَامِهِ، وَ یَتَوَلَّی أَوْلِیَاءَهُ، وَ یُعَادِی أَعْدَاءَهُ ذَلِکَ مِنْ رُفَقَائِی وَ ذَوِی مَوَدَّتِی وَ أَکْرَمُ أُمَّتِی عَلَیَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ.[1]

**۳-۲-۳. روایت چهارم: [علی بن حاتم القزوینی]**

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ [عَلَا]، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِیلُ بْنُ عَلِیٍّ الْفَزَارِیُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ، قَالَ: سُئِلَ الرِّضَا علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿قُلْ أَرَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِمَاءٍ مَعِینٍ﴾، فَقَالَ: مَاؤُکُمْ أَبْوَابُکُمْ أَیِ الْأَئِمَّةُ وَ الْأَئِمَّةُ أَبْوَابُ اللهِ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِمَاءٍ مَعِینٍ، یَعْنِی بِعِلْمِ الْإِمَامِ.[2]

**۳-۲-۴. روایت پنجم: [النعمانی]**

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ جَمِیعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِی، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ أَبُوعَبْدِ اللهِ علیه السلام: خَبَرٌ تَدْرِیهِ خَیْرٌ مِنْ عَشْرٍ تَرْوِیهِ، إِنَّ لِکُلِّ حَقٍّ حَقِیقَةً، وَ لِکُلِّ صَوَابٍ نُوراً، ثُمَّ قَالَ: إِنَّا وَ اللهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِیعَتِنَا فَقِیهاً حَتَّی یُلْحَنَ لَهُ فَیَعْرِفَ اللَّحْنَ، إِنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ عَلَی علیه السلام مِنْبَرِ الْکُوفَةِ: إِنَّ مِنْ وَرَائِکُمْ فِتَناً مُظْلِمَةً عَمْیَاءَ مُنْکَسِفَةً لَا یَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النُّوَمَةُ. قِیلَ: یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! وَ مَا النُّوَمَةُ؟ قَالَ: الَّذِی یَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا یَعْرِفُونَهُ، وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عزوجل وَ لَکِنَّ اللهَ سَیُعْمِی خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَی أَنْفُسِهِمْ، وَ لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَ لَکِنَّ الْحُجَّةَ یَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا یَعْرِفُونَهُ کَمَا کَانَ یُوسُفُ یَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْکِرُونَ، ثُمَّ تَلَا: ﴿یَا حَسْرَةً عَلَی الْعِبَادِ مَا یَأْتِیهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُونَ﴾.[3]

## ۴. تحلیل روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر در باب غیبت

اگرچه از ۴۲ روایت بازسازی شده از الملاحم الکبیر، تنها پنج حدیث آن مستقیماً به آموزه غیبت مرتبط است، اما بسیاری از مباحثِ مطرح شده در سایر روایات نیز ارتباطِ وثیقی با مبحث غیبت دارند. موضوعاتی چون توالی و استمرار امامان، ضرورت وجود حجت حق و

---

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.
۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۹؛ البرهان، ج ۵، ص ۴۴۹.
۳. الغیبة، ص ۱۴۱.

خالی نماندن زمین از حجت، اگرچه مستقیماً در باب غیبت نمی‌گنجند، اما هم مشعِر به غیبت‌اند و هم مثبِت آن. به نظر می‌رسد می‌توان ذیل سه گفتار ذیل به طبقه‌بندی این روایات دست یازید.

### ۴-۱. تصریح به غیبت و برخی فرعیات آن

افزون بر عبارات صریحی چون «فی غیبته»، «غیبته عن قومه» و «زاغ صاحب العصر» که صریح در غیبت‌اند، عباراتی چون پنهان شدنِ علم امام در زمین ذیل تأویل آیه ﴿إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً﴾[1] نیز به روشنی بر غیبت صاحب‌الامر دلالت دارد. در خلال این عبارات صریح، به برخی از فرعیات مهم آموزه غیبت، چون کیفیتِ غیبت آن حضرت و شباهت ایشان به حضرت یوسف علیه‌السلام نیز پرداخته شده است؛ به این معنا که:

> صاحب‌الامر در زمان غیبت، مردم را می‌شناسد و آنان را می‌بیند، و اگر چه آنان نیز ایشان را می‌بینند، اما او را نمی‌شناسند.

این بیان از کیفیت غیبت حضرت حجت در میراث حدیثی امامیه به دفعات گزارش شده است.[2] همچنین عبارات «سیعمی خلقه عنها (=عن الحجة) بظلمهم و جورهم و اسرافهم علی انفسهم» افزون بر آن که مشعر به اصل غیبت است، حکایت‌گر یکی از علل (یا آثار) غیبت نیز هست. افزون بر این موارد، تعبیرِ «خفاء مولده» نیز بر تولد مخفیانه حضرت دلالت دارد که خود مشعر به غیبت ایشان از هنگام تولد است. در نتیجه، در خلال این پنج حدیث، افزون بر پرداختِ صریح به آموزه غیبت، از «کیفیت غیبت»، «تأویل آیات مرتبط با غیبت»، «علل یا آثار غیبت»، «آغاز غیبت» و «وظایف شیعیان در عصر غیبت» نیز سخن به میان آمده است. در نتیجه، مطالعه روایات بازسازی شده از الملاحم الکبیر به روشنی نشان می‌دهد که مسئله غیبت، به هیچ وجه یک امر ناشناخته یا ناگفته در میانِ عالمانِ عصر حضور نبوده و متونِ حدیثی آن روزگاران از پرداخت به آموزه غیبت سرشار بوده است.

### ۴-۲. توالی، استمرار، و تعداد امامان

نتیجه بازسازیِ الملاحم الکبیر نشان می‌دهد که گزارش‌های قابل اعتنایی در این کتاب متوجهِ مباحثِ امامت و برخی از مهم‌ترین فرعیات آن، چون توالی و استمرار امامان بوده

---

۱. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲. الامامة و التبصرة، ص۹۴ و ۱۲۱؛ من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۵۲۰؛ کمال الدین، ج۲، ص۳۵۱ و۴۴۰؛ علل الشرایع، ج۱، ص۵۴؛ الغیبة للحجة، ص۳۶۴.

است؛ به این معنا که: اولاً، امامت تا آستانه قیامت ادامه دارد، و ثانیاً، امامان متوالی (پی در پی) هستند و زمین هرگز از وجود حجت الهی خالی نخواهد شد. عباراتِ «أنّ الارض لا تخلو من حجة الله»،[1] «لو خلت الارض ساعة واحدة من حجة الله ساخت باهلها»،[2] «و لکنه حی یجری فیمن بقی کما جری فیمن مضی»، و «کذلک یجری الائمه الهدی واحداً بعد واحد»،[3] در کنارِ عباراتِ «استقاموا علی الائمة واحداً بعد واحد»،[4] ذیل تأویلِ مأثورِ آیه ﴿الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا﴾،[5] و عبارتِ «امامٌ بعدَ امامٍ»،[6] ذیل تأویل مأثورِ آیه ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ﴾[7] نمونه‌هایی از این تصریح‌ها و تأکیدها بر توالی و استمرار امامان است که در نتایجِ بازسازی شده الملاحم الکبیر به چشم می‌آید.

افزون بر این، باید توجه داشت که در دو روایتِ بازسازی شده از الملاحم الکبیر (همینک موجود در کفایة الاثر) بر دوازده تن بودن امامان نیز تصریح و تأکید شده است.[8] از جمع این سه نکته (توالی امامان، تعداد محدود ایشان، و استمرار ایشان تا آستانه قیامت) نتایج کلامیِ درخوری قابل استنتاج است.

**۴-۳. استدلال بر غیبت و طول عمر صاحب الأمر**

همان طور که پیش‌تر تأکید شد، افزون بر روایاتی که صریحاً دال بر غیبت و مشعر به آن هستند، تعدادی از روایات دیگر الملاحم الکبیر نیز اگر چه صریحِ در آموزه غیبت نیستند، اما مجموعاً بر زنده بودنِ حضرت، عمرِ طولانی، و غیبت ایشان دلالت دارند. از مجموع روایاتِ بازسازی شده الملاحم الکبیر (مربوط به ابوابِ غیر از غیبت) می‌توان چنین استدلالی را با مقدمات ذیل ارائه نمود:

۱. امامان به طور متوالی و پی در پی (بدون تراخی) به امامت می‌رسند و تا آستانه قیامت استمرار دارند. افزون بر تصریح به این نکته در روایات بازسازی شده از الملاحم الکبیر،

---

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۳۱، ۴۸۶ و ۴۸۷.
۲. الغیبة، ص ۱۴۱؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴.
۳. الکافی، ج ۱، ۱۹۶.
۴. همان، ج ۱، ص ۲۲۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۰.
۵. سوره فصلت، آیه ۳۰.
۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۵.
۷. سوره قصص، آیه ۵۱
۸. کفایة الاثر، ص ۸۱ و ۳۰۹.

خانواده حدیثیِ «انّ الارض لا تخلو من حجة الله» و روایات مشابه با آن نیز صریحاً بر همین معنا دلالت دارد.[1]

۲. تعداد امامان به دوازده تن محدود است. افزون بر تصریح به این نکته در روایات بازسازی شده الملاحم الکبیر، روایات متعددی در میراث حدیثی فریقین بر این نکته دلالت دارد.[2]

۳. همینک بیش از ۱۴۳۰ سال از رحلت رسول گرامی ﷺ سپری شده است.

سه مقدمه فوق، هر یک به طور جداگانه از مسلمات است. دو مقدمه نخست به طور متواتر در مصادر شیعی گزارش شده است. این گزارش‌ها در مصادر متقدم مخالفان شیعه ـ که اتفاقاً به عصر حضور نیز تعلق دارند ـ به دفعات و با بسامد قابل اعتنایی گزارش شده و همینک موجودند. مقدمه سوم نیز واضح و بی‌نیاز از توضیح است. نتیجه، آن که به حکم صریح عقل یا باید تمامی امامان عمر طولانی داشته باشند یا بخشی از ایشان و یا دست‌کم یکی از آنان باید عمر بسیار طولانی داشته باشد؛ چه این که اولاً، فاصله چهارده قرن بعد از رسول گرامی اسلام پوشش داده شود و ثانیاً، امر امامت تا آستانه قیامت استمرار یابد. بدیهی است که اگر چنین نباشد، تعداد محدود امامان، امکان پوشش‌دهی بیش از چهارده قرن و استمرار آن تا آستانه قیامت را نخواهد داشت. حال با توجه به این که امامان پیشین و متقدم (مستقل از مصادیق ایشان در باور مذاهب مختلف) هیچ‌یک عمر بسیار طولانی نداشته‌اند. در نتیجه، همینک امام زنده و حی و حاضری هست (به استنادِ أنّ الارض لا تخلو من حجة الله) که شمار سالیان عمر او بسیار طولانی است. و از آنجایی چنین شخصی، با این عمر طولانی، به طور آشکار و شناخته شده در میان امت اسلامی وجود ندارد، پس این امامِ حیّ حاضر ـ که سالیان متمادی از عمر ایشان می‌گذرد ـ به طور ناشناخته و در پس پرده غیبت به حیات خود ادامه می‌دهد.

### ۵. نتیجه

اگرچه غیبت‌نگارانِ سده چهارم و پنجم هجری چون نعمانی، صدوق و شیخ طوسی،

---

۱. برای آشنایی با احادیث هم‌مضمون با این روایت ر.ک: «نقش احادیث مشهور در شکل‌گیری باور شیعه به پیوستگی امامت».

۲. برای نمونه حدیثِ «یکون اثنی عشر خلیفة» در میراث حدیثیِ متقدمان عامه ثبت شده است: صحیح البخاری، ج۶، ص ۲۶۴۰؛ صحیح مسلم، ج۳، ص۱۴۵۳؛ سنن ابی‌داود، ج۴، ص۱۷۲؛ سنن الترمذی، ج۴، ص۵۱؛ المسند(ابن‌حنبل)، ج۵، ص۸۷؛ الفتن، ج۱، ص۹۵؛ المصنف، ج۶، ص۳۶۳؛ الأحاد و المثانی، ص۹؛ المستخرج، ج۴، ص۳۷۱؛ المعجم الکبیر، ج۱، ص۵۴؛ المعجم الأوسط، ج۶، ص۲۶۸؛ الشریعة، ص۱۷۰۶؛ الفوائد، ص۱۲۸؛ الإبانة الکبری، ج۹، ص۵۹۸؛ حلیة الأولیاء، ج۴، ص۳۳۳؛ نیز ر.ک: «حدیث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت».

کتابُ الملاحم الکبیر، نگاشته محمد بن جمهور العمی را به طور مستقیم در اختیار نداشته‌اند، اما افزون بر گزارشِ شیخ، پژوهش حاضر نیز نشان داد که این اثرِ حدیثیِ سترگ، از طریقِ معلی بن محمد البصری، مهم‌ترین شاگردِ حدیثی ابن‌جمهور، به مدرسه حدیثیِ قم راه یافته و به واسطه دو تن از مشهورترین مشایخِ سال‌های پایانی سده سوم آن دیار، یعنی سعد بن عبدالله و حسین بن محمد بن عامر، در دسترسِ مهم‌ترین محدثانِ آن بوم، چون صفار، کلینی، علی بن بابویه، ابن الولید، و ابن قولویه قرار گرفته است. از سوی دیگر، حجمِ قابل توجهی از احادیثِ مندرج در الملاحم الکبیر، به واسطه کتابِ مورد اعتنای فرزندِ مؤلف به نام الواحده، به حوزه حدیثی بغداد راه یافت و از همین طریق، افزون بر نوه مؤلف، ابوعلی محمد بن همام سهیل و ابن ماهیار، به بخش‌هایی از الملاحم الکبیر دست یافتند. نعمانی اما به برکتِ شاگردی توأمان محضرِ کلینی و ابوعلی، نخستین محدثی است که با بهره‌مندی از میراثِ هر دو بومِ حدیثی یاد شده، وضعیتِ دسترسی خود به نگاشته ابن جمهور را بهبود بخشید و بخش‌های قابل اعتنایی از آن را در الغیبه اخراج نمود. از ۴۲ حدیثِ بازسازی شده از الملاحم الکبیر، پنج حدیث آن صریحاً در باب غیبت است. تصریح به غیبت و پرداختِ به بسیاری از جزئیات و فرعیات آن در نگاشته ابن‌جمهور، افزون بر اصالت و سابقه این آموزه در میانِ امامیان، از مورد اهتمام بودن آن نیز نزد اسلاف امامیه حکایت دارد. همچنین روایاتِ بازسازی شده از الملاحم الکبیر، مشتمل بر روایات مهمی در باب امامت و اوصاف ایشان است که مجموعاً بر آموزه غیبت دلالت دارد.

**کتابنامه**


الإبانة الکبری، ابن بطة، تحقیق: حمد التویجری، الریاض: دارالرایة، ۱۴۲۹ق.

اثبات الوصیة، مسعودی، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۴ش.

إثبات الهداة، الحرّ العاملی، محمّد. بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

الأحاد و المثانی، ابن ابی‌عاصم، تحقیق: باسم فیصل، الریاض: دارالرایة، ۱۴۱۱ق.

الإختصاص، محمد بن محمد المفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

إعلام الوری، الفضل بن الحسن الطبرسی، تهران: الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.

إقبال الأعمال، علی ابن طاووس، تهران: الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

الأمالی، محمد بن الحسن الطوسی، قم: دارالثّقافة، ۱۴۱۴ق.

الأمالی، محمد بن محمد المفید، قم: کنگره، ۱۴۱۳ق.

الإمامة و التبصرة، علی ابن بابویه، قم: الإمام المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
ایضاح المکنون، اسماعیل پاشا بغدادی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول.
الإیقاظ، محمد الحر عاملی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: نوید، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
آشنایی با منابع رجالی شیعه، رحمان ستایش، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۲ش.
بحار الأنوار، محمد باقر المجلسی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
البرهان، هاشم بن سلیمان البحرانی، قم: البعثة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
بشارة المصطفی، عماد الدّین محمّد الطبری، نجف: الحیدریة، ۱۳۸۳ق.
بصائر الدرجات، محمد الصفّار، تصحیح: محسن کوچه‌باغی، قم: مکتبة المرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
تفسیر القمّی بحث حول النّسخة المتداولة، احمد سلمان، بیروت: دارالولاء، چاپ اول، ۱۴۳۹ق.
التّفسیر، علی بن ابراهیم القمّی، تحقیق: موسوی جزایری، قم: دارالکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
تقریب المعارف، ابوالصلاح الحلبی، قم: الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن الطوسی، تهران: الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
الثاقب فی المناقب، محمد ابن‌حمزه طوسی، تحقیق: نبیل‌رضا علوان، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
الجامع الصحیح (صحیح البخاری)، محمّد بن اسماعیل البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق.
الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، مسلم بن حجاج النیسابوری، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
حکایة ابی القاسم البغدادی، ابومطهر الازدی (منسوب به)، هایدلبرگ: کرل ونتر، ۱۹۰۲م.
حلیة الاولیاء، ابونعیم احمد بن عبدالله، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ق.
الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله الراوندی، قم: مؤسسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
الدیارات، علی بن محمد الشابشتی، تحقیق: کورکیس عواد، دمشق: امدی، ۲۰۰۸ م.
الرّجال، أحمد البرقی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.

الرّجال، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
السّنن، ابوداود سلیمان السجستانی، بیروت: دارالکتاب العربی.
السّنن، محمّدالتّرمذی، تحقیق: محمّد شاکر، بیروت: دار إحیاء التّراث العربی.
الشریعة، ابوبکر الآجری، تحقیق: عبدالله الدمیجی، الریاض: دارالوطن، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
طبّ الإمام الرضا (الرسالة الذهبیة)، تحقیق: محمد مهدی نجف، قم: دارالخیام، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
طبقات أعلام الشیعة، آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
طبقات راویان احادیث مهدویت، عبدالکریم عبدالهی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
طبقات مفسرین شیعه، عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.
علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم: داوری، ۱۳۸۵ش.
الغیبة للحجة، محمد بن الحسن الطوسی، قم: دارالمعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ق.
الفتن، نعیم ابن حماد، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، علی بن موسی ابن طاووس، قم: دارالذخائر، چاپ اول، ۱۳۶۸ق.
الفرج بعد الشدة، المحسن بن علي التنوخي، تحقیق: عبود الشالجی، بیرون: دارصادر، ۱۹۷۸م.
فرق الشیعه، حسن بن موسی النوبختی، نجف: الحیدریه، ۱۳۵۵ق.
الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه، التّمیمی، عبد القاهر طاهر البغدادی، بیروت: دارآفاق الجدیده، چاپ دوم، ۱۹۷۷م.
الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، علی بن احمد بن حزم الاندلسی، قاهرة: مکتبة الخانجی.

فلاح السائل و نجاح المسائل، علی بن موسی ابن طاووس، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
الفوائد، محمد ابن أخی، تحقیق: نبیل جرار، الریاض: داراضواء السف، ۱۴۲۰ق.
الفهرست، ابن الندیم، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
الفهرست، أحمد بن علی النّجاشی، قم: الجامعة المدرسین، ۱۳۶۵ش.
الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی، قم: مکتبة المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
الکافی، محمّد بن یعقوب الکلینی، تهران: الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
کامل الزّیارات، جعفربن‌محمد ابن قولویه، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف: المرتضویة، ۱۳۵۶ش.
کتاب الضّعفاء (الرّجال)، أحمد ابن الغضائری، تحقیق: محمّدرضا حسینی، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
کتاب القرائات، احمد بن محمد السیاری، تحقیق: ایتان کلبرگ، محمد علی امیرمعزی، لیدن و بوستن: بریل، ۲۰۰۹م.
کتاب رجعت، محمد باقر مجلسی، تحقیق: سید حسن موسوی، قم: دلیل ما، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ش.
کشف الغمة، علی‌بن‌عیسی الاربلی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی‌هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
کفایة الأثر، علی الخزّاز، تحقیق: عبداللطیف کوه‌کمری، بیدار، قم: ۱۴۰۱ق.
کمال الدّین و تمام النّعمة، محمد ابن بابویه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
المزار الکبیر، محمّد بن جعفر ابن المشهدی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: النّشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
المزار، محمد بن محمد المفید، تحقیق: محمد باقر ابطحی، قم: چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
المستخرج، یعقوب بن اسحاق ابوعوانه، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
المسند، احمد ابن حنبل، القاهره: مؤسسة قرطبة.

مشارق أنوار اليقين فی أسرار أمير المؤمنين، رجب بن محمد البرسی، تحقيق: علی عاشور، بيروت: أعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
المصنف، ابوبکر ابن ابی‌شيبة، تحقيق: کمال يوسف الحوت، الرياض: الرشد، ۱۴۰۹ق.
المعجم الاوسط، سليمان بن احمد الطبرانی، تحقيق: طارق الحسينی، القاهره: دارالحرمين، ۱۴۱۵ق.
معجم البلدان، ياقوت بن عبدالله الحموی، بيروت: دارالفکر.
المعجم الکبير، سليمان بن احمد الطبرانی، تحقيق: عبدالمجيد حمدی، القاهره: مکتبة العلوم و الحکم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ابوالحسن علی الاشعری، تحقيق: هلموت ريتر، بيروت: داراحياء التراث العربی.
المقالات و الفرق، سعد بن عبدالله الاشعری، ترجمه: محمدجواد مشکور، تهران: عطايی، ۱۳۷۱ش.
من لايحضره الفقيه، محمد بن علی ابن بابويه، تصحيح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
مناقب آل أبی طالب، محمّد بن علی ابن شهرآشوب، قم: علّامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
نثر الدر في المحاضرات، منصور بن الحسين الرازي، تحقيق: خالد عبد الغني محفوط، بيروت: دار الکتب العلميه، ط۱، ۲۰۰۴م.
نشوار المحاضرة وأخبار المذاکرة، المحسن بن علي التنوخي، بيروت: ۱۳۹۱ ق.
الهداية الکبری، حسين بن حمدان الخصيبی، بيروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.
هدية العارفين، اسماعيل پاشا بغدادی، بيروت: دارإحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۹۵۱م.
«تفسير ابن ماهيار، اصالت، مصادر و محتوا»، علی راد، فاطمه غلامشاهيان، دوفصلنامه علوم قرآن وحديث دانشگاه فردوسی، دوره ۴۹، ش۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
«حديث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت»، علی کورانی، فصلنامه امامت‌پژوهی، ش۱۲، ۱۳۹۲ش.
«در حاشيه دو مقاله»، سيد محمّد جواد شُبيری زنجانی، آينه پژوهش، ش۴۸، ۱۳۷۶ش.
“From Imāmiyya to Ithnā-’ashariyya،” Kohlberg ،Etan. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* ،*University of London* 39 ،no. 3 (1976): 521–534.